

تأثیر مدیران با تجربه خارجی بر اجتناب مالیاتی

مهدی سیاهوشی

کارشناسی حسابداری، واحد رودبار، دانشگاه آزاد اسلامی، رودبار، ایران.
Siahvoshimehdi10@gmail.com

چکیده

هدف این پژوهش مطالعه تأثیر مدیران با تجربه خارجی بر اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است که با توجه به این تحقیق در گروه‌های تجاری مقایسه می‌شود شرکت‌های فاقد عضو در گروه تجاری نیز حذف شدند. بنابراین لازم برای این پژوهش از صورت‌های مالی ۱۴۴ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۳۹۹ گردآوری شده است. برای آزمون فرضیه‌ها از رگرسیون چندمتغیره با داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج بدست آمده از آزمون فرضیه نشان داد تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیر معکوس و معنی داری دارد.

واژگان کلیدی: مدیران با تجربه خارجی، اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی.

مقدمه

مالیات یک عنصر مهم برای تأمین درآمد بودجه کشور است. در موارد پرداخت اجباری مالیات، هر شخص یا طرف در صورت عدم انجام تعهدات مالیاتی خود، موظف به تسویه بدهی و پرداخت جریمه است. طبق گفته‌های آلینگام^۱ و همکاران (۲۰۱۲) هیچ مالیات دهنده‌ای مایل به پرداخت مالیات نیست، اما راهی جز اطاعت وجود ندارد. پرداخت مالیات بیشتر، مودیان را وادار می‌کند تا در اقدام به اجتناب از مالیات نامطلوب که درآمد کشور را کاهش می‌دهد، تلاش کنند. بنابراین، برای کشورها مهم است که فاکتورهای مؤثر بر اجتناب مالیاتی را شناسایی کنند تا بتوانند راهکارهایی را برای جلوگیری از کاهش درآمد، ارائه کنند.

کیفیت حاکمیت شرکتی نقش مهمی در تعیین حساسیت درآمد مالیاتی به تغییرات نرخ مالیات دارد. وقتی هدایت درآمد برای مدیریت دشوار باشد (حاکمیت شرکتی خوب)، افزایش نرخ مالیات می‌تواند درآمد مالیات را افزایش دهد. در مقابل، وقتی سیستم حاکمیت شرکتی بی‌اثر باشد (مدیریت درآمد آسان است)، افزایش نرخ مالیات می‌تواند درآمد مالیاتی را کاهش دهد (دسای^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). از طرف دیگر، حاکمیت شرکتی مؤلفه‌های مختلفی دارد و ارتباط بین چندین حزب مانند مدیران، سهامداران و هیئت مدیره را تعیین می‌کند. در واقع، هیئت مدیره مسئولیت نهایی امور مالیاتی شرکت را بر عهده دارد و در قبال سهامداران پاسخگو است (ارله^۳، ۲۰۰۸). لاندولف^۴ (۲۰۰۶) استدلال می‌کند که با افزایش تنوع

¹ Allingham

² Desai

³ Erle

⁴ Landolf

ریسک مربوط به امور مالیاتی، هیئت مدیره باید در چارچوب استراتژی مدیریت ریسک کل شرکت، خود را مستقیماً در برنامه ریزی مالیاتی شرکت مشارکت دهد. وی همچنین ادعا می کند که هیئت مدیره باید پس از بررسی دقیق جنبه های مهم پایداری، سازگاری با فعالیت های تجاری و ساختارهای مالیاتی، فرهنگ انطباق شرکت و مسئله پرداخت سهم عادلانه مالیات شرکت، چنین استراتژی را اجرا کند. لذا می توان بیان داشت، ویژگیهای هیئت مدیره و دیدگاه آن می تواند بر برنامه ریزی مالیاتی شرکت تأثیرگذار باشد و لذا پرداختن به این موضوع از جنبه علمی می تواند راهکاری را برای برنامه ریزی مالیاتی دقیقتر ارائه کند و همچنین، دید وسیعتری برای دولت برای نظارت بر مالیات دهی شرکتها فراهم کند.

مبانی نظری و پیشینه

در چند سال گذشته، مالیات به طور گسترده ای به عنوان یک عامل محرک در تصمیم گیری های بسیاری از شرکت ها در نظر گرفته شده است. به طور فزاینده ای از شرکت ها انتظار می رود که به سرمایه گذاران نشان دهند که از قوانین و مقررات مالیاتی پیروی می کنند، زیرا سرمایه گذاران می دانند که تعدی مالیاتی تأثیر سوء بر بازده سرمایه گذاری آنها دارد (زیمزیم و افتوحی^۱، ۲۰۱۳). با این وجود، مزایای حاصل از برنامه ریزی مالیاتی از جمله افزایش جریان های نقدی و افزایش سود مندرج در صورت های مالی، انگیزه ای برای مدیران و سهامداران برای انجام فعالیت های اجتناب از مالیات فراهم می کند (سو^۲ و همکاران، ۲۰۱۴). اجتناب از مالیات شرکتی معمولاً به عنوان اقداماتی تعریف می شود که مالیات شرکت را نسبت به سود حسابداری قبل از مالیات آن کاهش می دهد (کریستینسن^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). شرکت ها می توانند به سرعت مواضع مربوط به مالیات خود را تغییر دهند (کیم^۴ و همکاران، ۲۰۱۹). این تغییر را می توان از طریق طیف وسیعی از مکانیزم ها مانند استفاده از استهلاک تسریع شده، مشتقات مالی، ابزارهای مالی ترکیبی و به تعویق انداختن مالیات باقیمانده بر سود خارجی اجرا کرد (زولوتوی^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

با این حال، فعالیت های اجتناب از مالیات همیشه منجر به حداکثر رساندن ارزش شرکت نمی شود، زیرا برنامه ریزی مالیاتی تهاجمی ممکن است هزینه های قابل مشاهده (به عنوان مثال، جریمه، هزینه های حرفه ای) و غیرقابل مشاهده (به عنوان مثال خطر اضافی) را به شرکت وارد کند (فرانک^۶ و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، مدیران ممکن است همیشه به سطح برنامه ریزی مالیاتی مطلوب برای شرکت خود نرسند. به عنوان مثال، رگو و ویلسون^۷ (۲۰۱۲) استدلال می کنند که به طور متوسط، مدیران ریسک پذیر احتمالاً ترجیح می دهند از اجتناب از مالیات که شامل عدم اطمینان قابل توجهی است، اما انتظار می رود منافع خالصی برای سهامداران خود داشته باشد، استفاده کنند. از سوی دیگر، دسای و دارماپالا^۸ (۲۰۰۶) خاطرنشان کردند که مدیران با انجام فعالیتهای پیچیده اجتناب از مالیات، ممکن است بتوانند از مزایای خصوصی بهره مند شوند. آنها استدلال می کنند که فعالیتهای اجتناب از مالیات یک شرکت، مانند جستجوی پناهگاههای مالیاتی یا ایجاد ساختارهای پیچیده شامل اشخاص مرتبط با بی تفاوت مالیاتی، غالباً معاملات بسیار پیچیده ای را شامل می شود که برای پنهان کردن هدف اصلی و جلوگیری از شناسایی توسط اداره امور مالیاتی طراحی شده اند. ماهیت مبهم چنین تهاجم مالیاتی، پنهان کردن فعالیت های رانت را برای مدیران آسان می کند.

¹ Zemzem & Ftouhi

² Hsu

³ Christensen

⁴ Kim

⁵ Zolotoy

⁶ Frank

⁷ Rego and Wilson

⁸ Desai and Dharmapala

هیئت مدیره مسئولیت نظارت و مشاوره مدیریت را بر عهده می گیرد. تحقیقات قبلی نشان می دهد که تفاوت دیدگاه مدیر به طور قابل توجهی بر اثربخشی مدیران در انجام وظایف خود تأثیر می گذارد (چو^۱ و همکاران، ۲۰۱۷؛ گال^۲ و همکاران، ۲۰۱۱؛ مینتون^۳ و همکاران، ۲۰۱۴). از آنجا که بطور معمول شرکتهای موجود در بازارهای در حال ظهور حاکمیت شرکتی ضعیف و عملکردهای ضعیف مدیریتی در نظر گرفته می شوند، بنابراین، ترکیب اعضای هیئت مدیره که می تواند شیوه های حاکمیت شرکتی و مدیریت را بهبود بخشد برای سهامداران و تنظیم کنندگان از اهمیت بیشتری برخوردار است (سایورسون^۴، ۲۰۱۱). بررسی ها نشان می دهد، مدیرانی که دارای تجربه خارجی هستند، ممکن است در دو جهت مخالف بر تصمیمات اجتناب از مالیات شرکت هایشان تأثیر بگذارند. از یک طرف، مدیران بازگرداننده ممکن است حداکثر ارزش سهامدار را وظیفه اصلی خود قرار دهند و از تیم های مدیریت بخواهند که پرداخت مالیات را کاهش دهند. از طرف دیگر، مدیران دارای تجربه خارجی، ممکن است نگرانی های بیشتری در مورد اثر سوء اجتناب از مالیات شرکت ها بر شهرت، داشته باشند و بنابراین، نظارت بیشتری بر مدیریت برای کاهش اجتناب از مالیات دارند (ون^۵ و همکاران، ۲۰۲۰).

با توجه به مطالب مطرح شده، می توان بیان داشت حضور مدیران با تجربه خارجی در هیئت مدیره می تواند بر اجتناب مالیاتی شرکتهای تأثیرگذار باشد، ولی نوع این تأثیر نامشخص است و ممکن است تحت تأثیر قلمرو زمانی و مکانی مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو، با توجه به اهمیت اجتناب مالیاتی و شناخت فاکتورهای مؤثر بر آن و نبود مطالعه ای که به بررسی اثر حضور مدیران با تجربه خارجی در هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکتهای ایرانی پرداخته باشد، مطالعه حاضر بر آن است تا به این پرسش پاسخ دهد که حضور مدیران با تجربه خارجی در هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی شرکتهای ایرانی چه تأثیری دارد؟

کاویانی فرد و همکاران (۱۳۹۹) تأثیر مولفه های قدرت مدیرعامل بر سیاست اجتناب مالیاتی را بررسی کردند. بدین منظور داده های مربوط به ۱۰۸ شرکت عضو بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی بین سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ به کار برده شده است. الگوی رگرسیون پژوهش با استفاده از روش داده های تابلویی، بررسی و آزمون شد. نتایج پژوهش نشان می دهد قدرت مدیرعامل تأثیر منفی و معناداری بر مدیریت مالیاتی با استفاده از هر سه معیار دارد؛ بدین معنی که مدیران عامل قدرتمند از طریق مالکیت سهام، تخصص، تجربه و استقلال بیشتر و افق های سرمایه گذاری بلندمدت، مدیریت مالیات کمتری انجام می دهند؛ این به خاطر نگرانی از جرایم مالیاتی، جلوگیری از آسیب به شهرت شان و همچنین به دلیل جلوگیری از افزایش هزینه های معاملات برای مدیریت مالیات و هزینه های غیرمالیاتی است. بنابراین پیشنهاد می شود استفاده کنندگان در تصمیمات سرمایه گذاری خود همواره به این نکته توجه کنند که کاهش مدیریت مالیاتی موجب افزایش ریسک نقدینگی و به موازات آن به ریسک سرمایه گذاری منجر می شود.

خدمی پور و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی توانایی مدیریت بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و کارایی سرمایه گذاری پرداختند. به منظور اندازه گیری توانایی مدیریتی از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) با استفاده از روش تحلیل پوششی داده ها (DEA) و برای اندازه گیری کارایی سرمایه گذاری از مدل ریچاردسون (۲۰۰۶) و همچنین برای اندازه گیری اجتناب مالیاتی از شاخص نرخ موثر مالیاتی نقدی (CETR) استفاده شده است. برای آزمون فرضیه های پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره بهره گرفته شده است. نمونه مورد مطالعه متشکل از ۱۵۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران برای دوره زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ است. یافته های حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد که بر

¹ Cho

² Gul

³ Minton

⁴ Syverson

⁵ Wen

خلاف انتظار با افزایش اجتناب مالیاتی، در سطح توانایی مدیریتی پائین، کارایی سرمایه‌گذاری کاهش نمی‌یابد، در حالی که در سطح توانایی مدیریتی بالا انتظار موجود مبنی بر تأثیرپذیری مثبت کارایی سرمایه‌گذاری از افزایش اجتناب مالیاتی تایید می‌شود.

فخری و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی با بررسی ۱۲۰ شرکت فعال در بورس در قلمرو زمانی ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۶ در یک مطالعه رگرسیونی، نشان داد که میان حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد. همچنین توانایی مدیریت رابطه میان حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آقایی و همکاران (۱۳۹۷) به نقش توانایی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. شاخص‌های مورد استفاده برای سنجش اجتناب از پرداخت مالیات، نرخ موثر مالیاتی دفتری، نرخ موثر مالیاتی نقدی و نرخ موثر مالیاتی نقدی بلندمدت هستند. نمونه آماری شامل ۱۲۲ شرکت از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس تهران است که طی سال‌های ۸۷ تا ۹۳ بررسی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بین توانایی مدیریتی و هر سه معیار استفاده شده برای اجتناب از پرداخت مالیات، رابطه مثبت و معناداری وجود دارد؛ بدین معنی که مدیران تواناتر، بیشتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند که منجر به کاهش پرداخت‌های مالیات توسط شرکت می‌گردد. از طرفی، نتایج نشان‌دهنده این است که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح توانایی بالا کمتر درگیر فعالیت‌های اجتناب مالیاتی می‌شوند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان می‌دهد علاوه بر ویژگی‌های شرکت، توانایی مدیریتی بر رفتار اجتناب مالیاتی شرکت موثر است.

ون^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای با عنوان مدیران با تجربه خارجی و اجتناب مالیاتی با استفاده از نمونه بزرگی از داده‌های تجارب خارجی مدیران جمع‌آوری شده دستی برای شرکت‌های سهامی چینی از سال ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۶، تأثیر مدیران با تجربه خارجی در اجتناب مالیاتی شرکت‌ها را بررسی کردند. آنها یک ارتباط قابل توجهی منفی بین مدیران با تجربه خارجی و اجتناب از مالیات پیدا کردند، که نشان می‌دهد این مدیران می‌توانند به محدودیت ته‌اجمی مالیاتی شرکت‌های خود کمک کنند. تجزیه و تحلیل‌های بیشتر نشان می‌دهد که نگرانی‌های مربوط به شهرت و آگاهی از CSR کانال‌های بالقوه‌ای هستند که از طریق آنها مدیران با تجربه خارجی بر اجتناب از مالیات شرکت‌ها تأثیر می‌گذارند. رابطه منفی بین مدیران با تجربه خارجی و اجتناب از مالیات تنها زمانی برقرار می‌شود که تجارب خارجی مدیران از کشورها یا مناطقی با حمایت سرمایه‌گذاران بالاتر حاصل شده باشد. مدیران موظف با تجربه خارجی تأثیرات بیشتری در اجتناب از مالیات شرکت‌ها نسبت به مدیران مستقل دارند و وقتی مدیران با تجربه خارجی در کمیته‌های حسابرسی حضور می‌یابند، این اثر بیشتر مشهود است. تجربه کار و مطالعه مدیران هر دو تأثیر مهمی در اجتناب از مالیات شرکت‌ها دارند. همچنین نتیجه نشان می‌دهد که رابطه منفی بین مدیران با تجربه خارجی و اجتناب از مالیات در شرکت‌های غیر دولتی بیشتر مشهود است. به طور کلی، یافته‌ها حاکی از آن است که تجربه خارجی مدیران برای رفتار مالیاتی شرکت‌ها در بازارهای نوظهور اهمیت دارد.

زولوتی و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان روابط نمایندگی سهامداران: گزینه‌های سهام مدیر عامل و اجتناب از مالیات شرکت یک رابطه وابسته به چارچوب بین مشوق‌های گزینه سهام مدیر عامل و اجتناب از مالیات را توصیف کردند. چارچوب نظری آنها نقش تقاضای سهامداران رقیب را در ارائه یک نقطه مرجع برجسته برای یک مدیرعامل که مفاهیم اجتناب از مالیات را برای ثروت گزینه سهام آنها در نظر دارد، برجسته می‌کند. در مطالعه‌ای بر روی ۲۵۷۳ شرکت آمریکایی که بین سالهای ۱۹۹۳ و ۲۰۱۴ در فهرست شرکتهای سهامی عام قرار گرفته‌اند، نشان دادند که

¹ Wen

پیامدهای انگیزه های گزینه سهام مدیر عامل به این مسئله بستگی دارد که آیا نرخ مالیات موثر شرکت زیر یا بالاتر از نرخ مالیات شرکت های همکار است. آنها همچنین نشان دادند که، هم در بالا و هم در زیر این نقطه مرجع، پیامدهای انگیزه های گزینه سهام برای اجتناب مالیاتی شرکت ها با سطح مالکیت نهادی فعال و با توانایی مدیر عامل شرکت در پیوند با سهامداران افزایش می یابد.

هانگ و ژانگ^۱ (۲۰۱۹) در مطالعه ای با عنوان تخصص مالی و اجتناب از مالیات شرکت ها نقش مدیران عامل خبره مالی را به عنوان یکی از عوامل تعیین کننده اجتناب از مالیات شرکت ها بررسی می کند. آنها حدس می زنند که پیچیدگی مالی مدیرعامل ها را بر آن می دارد تا به عنوان یک سرمایه گذاری، از اجتناب از مالیات استفاده کنند. آنها رابطه بین مدیران عامل خبره مالی و اجتناب از مالیات را با میانگین شرطی و در سراسر توزیع اجتناب مالیاتی بررسی کردند. آنها، دریافتند که مدیر عاملان خبره مالی با سیاست اجتناب مالیاتی در ارتباط هستند. علاوه بر این، نتایج آنها نشان می دهد که تأثیر مدیران عامل خبره مالی از تجزیه و تحلیل دقیق هزینه و سود حاصل می شود.

لو و میلز^۲ (۲۰۱۷) در مطالعه ای با عنوان تجربه نظامی و اجتناب از مالیات شرکتی دریافتند که مدیران با تجربه نظامی کمتر از سایر مدیران اجتناب از مالیات را دنبال می کنند و تخمین می زنند ۱ تا ۲ میلیون دلار بیشتر مالیات شرکتها در هر سال را بپردازند. این مدیران همچنین با اندوخته های مالیاتی کمتر و پناهگاه های مالیاتی کمتر، استراتژی های برنامه ریزی مالیاتی کمتر تهاجمی را انجام می دهند. اگرچه آنها پول مالیات را روی میز می گذارند، هیئت مدیره ای که این مدیران را استخدام می کند، از کاهش سایر مناطق خاکستری در گزارش شرکت ها بهره مند می شود. مفاهیم گسترده به شرح زیر است: برای انتخاب کارمندان، هیئت مدیره می تواند خصوصیات شخصی کارکنان را به عنوان مکانیزم کنترلی در نظر بگیرد، در صورتی که خروجی ها به سختی قابل تغییر هستند یا از قبل اندازه گیری می شوند.

کر^۳ و همکاران (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی: شواهدی از اصلاح حکمرانی بیان داشتند تحقیقات اخیر مالیاتی، رابطه بین قدرت حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات را بررسی می کند. در این مقاله، آنها دوباره موضوع را بررسی کرده و شواهد جدیدی را با تمرکز بر شرکت های مکزیکی ارائه دادند، که سیستم های حاکمیتی خود را به دنبال اصلاح دولت در سال ۲۰۰۰ به طور بنیادی تغییر داده است. پس از اجرای اصلاحات حکمرانی به میزان قابل توجهی کاهش می یابد. این نشان می دهد که بین قدرت سیستم های حاکمیت و فرار مالیاتی رابطه علی وجود دارد. آنها همچنین نشان دادند که شرکت هایی با حاکمیت گزارش شده بالاتر، از اجتناب از مالیات کمتر استفاده می کنند.

تاندن و وینه^۴ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان تأثیر حاکمیت شرکتی خوب بر اجتناب از مالیات: یک مطالعه تجربی بر روی شرکت های تولیدی سهامی IDX در دوره ۲۰۱۰-۲۰۱۳ به دنبال به دست آوردن شواهد تجربی در مورد تأثیر حاکمیت شرکتی خوب در اجتناب از مالیات است که بر مبنای نرخ مالیات موثر تعریف شده است. نمونه های این تحقیق ۱۲۰ شرکت تولیدی سهامی در اندونزی در سال های ۲۰۱۰ - ۲۰۱۳ بوده است. آزمون فرضیه از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده کرده است. نتیجه این مطالعه نشان می دهد که کمیته حسابرسی تأثیری مثبت در اجتناب از مالیات دارد اما خسارت اجرایی، شخصیت اجرایی، اندازه شرکت، مالکیت نهادی، کمیته حسابرسی و کیفیت حسابرسی اثر همزمان برای تعریف اجتناب از مالیات دارد.

¹ Huang & Zhang

² Law & Mills

³ Kerr

⁴ Tandean & Winnie

آرمسترانگ^۱ و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان حاکمیت شرکتی، مشوق ها و اجتناب از مالیات بیان داشتند مشابه سایر فرصت های سرمایه گذاری که شامل جریان های نقدی مورد انتظار ریسکی است، مشکلات حل نشده نمایندگی ممکن است مدیران را به سمت اجتناب از مالیات سوق دهد. آنها هیچ ارتباطی بین مکانیسم های مختلف حاکمیت شرکتی و اجتناب از مالیات با میانگین شرطی و میانگین توزیع اجتناب مالیاتی پیدا نکردند. با این حال، با استفاده از رگرسیون چارکی دریافتند، بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی مالی برای سطوح پایین اجتناب از مالیات، رابطه مثبت وجود دارد، اما برای سطوح بالای جلوگیری از مالیات، یک رابطه منفی وجود دارد. این نتایج نشان می دهد که این ویژگی های حاکمیت رابطه شدیدتری با سطوح شدیدتر اجتناب از مالیات دارند که به احتمال زیاد علائم سرمایه گذاری بیش از حد و تحت سرمایه گذاری مدیران است.

زیمزیم و افتوحی (۲۰۱۳) در مطالعه ای با عنوان تأثیر ویژگیهای هیئت مدیره بر اجتناب مالیاتی بیان داشتند که با افزایش این انتظار که سرمایه گذاران آگاه هستند که تعدی مالیاتی تأثیر سوء بر بازده سرمایه گذاری آنها دارد، شرکت ها سعی می کنند انطباق خود را با مقررات مالیاتی به سرمایه گذاران نشان دهند. در این مقاله اثرات ویژگی های هیئت مدیره در تعدی مالیاتی بررسی می شود. این مطالعه بر اساس تجزیه و تحلیل نمونه ۷۳ شرکت فرانسوی در شاخص SBF 120 برای دوره ۲۰۰۶-۲۰۱۰ انجام شده است. برای تعیین متغیرهایی که می توانند از تعدی مالیاتی بکاهند، از تحلیل رگرسیون استفاده شد. نتایج نشان داد که اندازه هیئت مدیره و درصد زنان در هیئت مدیره بر فعالیت تعدی مالیاتی تأثیر می گذارد. بازده دارایی و اندازه شرکت به طور معنادار و مثبت ارتباط دارند.

روش تحقیق

تحقیق حاضر از آن جهت که به بررسی وجود تأثیر متغیرها با استفاده از معادله رگرسیون می پردازد، از نوع تحقیقات توصیفی است. و از این جهت که با تعیین تأثیر مدیران با تجربه خارجی بر اجتناب مالیاتی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می تواند به سرمایه گذاران و اکثر استفاده کنندگان از صورت های مالی بینش دهد، کاربردی است و همچنین تحقیق حاضر از نوع تاریخی یا همان پس رویدادی می باشد. به منظور انجام تحقیق، از داده های پانل دیتا استفاده شده است چرا که پانل دیتا یک محیط بسیار غنی از اطلاعات را برای گسترش دادن تکنیک های تخمین و نتایج تئوریک فراهم می آورد. جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می باشد که با استفاده از حذف سیستماتیک به نمونه گیری پرداخت شد:

۱. شرکت ها قبل از سال ۱۳۹۲ عضو بورس بوده و برای دوره زمانی ۹۲ الی ۹۹ صورت های مالی خود را تهیه و به سازمان بورس ارائه نموده باشند و همچنین داده ها و اطلاعات مربوط به متغیرهای انتخاب شده در این پژوهش در دسترس باشند.

۲. سال مالی شرکت ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد و توقف معاملاتی هم نداشته باشند.

۳. طی سال های مورد مطالعه تحقیق ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹، نماد معاملاتی آن ها از تابلوی بورس خارج نشده باشد و سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند باشد (فعالیت مستمر و پایدار در بازار سرمایه).

۴. جزء بانک ها و مؤسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گری مالی، شرکت های هلدینگ، بانک ها و لیزینگ ها) نباشد، زیرا ماهیت مدیریت، فعالیت ها و گزارشگری مالی در آن ها متفاوت است.

با اعمال شرایط در جدول فوق تعداد ۱۴۴ شرکت به عنوان نمونه انتخاب شد. در بازه زمانی ۹۲ تا ۹۹ (۷ سال) پس تعداد مشاهدات برابر است با ۱۰۰۸ سال شرکت است.

¹ Armstrong

فرضیه های تحقیق

برای دستیابی به پاسخ سوال پژوهش و در راستای دستیابی به هدف پژوهش، باید فرضیه ای طراحی گردد تا آزمون های آماری بر روی آن اجرا شود. بر این اساس، فرضیه پژوهش حاضر به شرح زیر می باشد:

تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیر گذار است.

در راستای بررسی درستی فرضیات پژوهش، از الگوی رگرسیونی به شکل الگوی (۱) استفاده می شود که برگرفته از مطالعه ون و همکاران (۲۰۲۰) است.

$$TAXAVOID_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 FOREIGN_{i,t} + \alpha_2 ROA_{i,t} + \alpha_3 SIZE_{i,t} + \alpha_4 LEV_{i,t} + \alpha_5 MB_{i,t} + \alpha_6 ROI_{i,t} + \alpha_7 PPE_{i,t} + \alpha_8 INTANG_{i,t} + \alpha_9 INVENT_{i,t} + \alpha_{10} CFO_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

متغیر مستقل

(FOREIGN) تجربه خارجی مدیریت است که به صورت متغیری موهومی تعریف می شود و در صورتی که مدیر دارای تجربه خارجی باشد، مقدار ۱ و در غیر اینصورت مقدار ۰ می گیرد.

متغیر وابسته

(TAXAVOID) متغیر وابسته است که همانگونه که گفته شد براساس نرخ ملیات مؤثر (هزینه مالیات بر درآمد/درآمد قبل از کسر مالیات) تعریف می شود.

متغیرهای کنترلی

بازده کل دارایی (ROA) به صورت نسبت سود خالص به کل دارایی،
اندازه شرکت (SIZE) به صورت لگاریتم طبیعی کل دارایی،
اهرم مالی (LEV) به صورت نسبت کل بدهی به کل دارایی،
ارزش شرکت (MB) به صورت مجموع ارزش روز و بدهی تقسیم بر کل دارایی،
سود سرمایه گذاری (ROI) به صورت نسبت بازده سرمایه گذاری تقسیم بر دارایی،
نسبت اموال (PPE) به صورت نسبت اموال و تجهیزات به کل دارایی،
نامشهود بودن دارایی (INTANG) به صورت نسبت دارایی نامشهود به کل دارایی،
موجودی (INVENT) به صورت نسبت موجودی به کل دارایی
جریان وجه نقد (CFO) به صورت تقسیم جریان وجه نقد به کل دارایی، به دست می آید.

یافته های توصیفی

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱ آمار توصیفی داده های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می دهد.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میانه	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
اجتناب مالیاتی	۰,۰۹۹	۰,۰۹۷	۰,۴۶۴	۰,۰۰۰	۰,۰۹۱	۰,۳۷۹	۲,۲۴۴
تجربه خارجی مدیریت	متغیر کیفی						
اندازه شرکت	۱۴,۵۹۱	۱۴,۲۷۸	۲۰,۱۸۳	۱۰,۶۷۱	۱,۶۰۶	۰,۸۹۵	۳,۸۷۹
ارزش شرکت	۲,۱۱۸	۱,۵۶۸	۲۰,۵۶۰	۰,۴۸۹	۱,۷۶۰	۴,۴۷۲	۳۲,۲۷۸
اهرم مالی	۰,۵۴۷	۰,۵۵۴	۲,۰۷۷	۰,۰۱۲	۰,۲۲۲	۰,۲۲۶	۴,۵۳۷

۳,۹۲۵	۰,۵۶۰	۰,۱۴۶	-۰,۴۰۴	۰,۷۰۸	۰,۱۱۵	۰,۱۳۴	بازده دارایی ها
۸,۰۹۵	-۱,۶۷۱	۰,۰۷۲	-۰,۵۶۲	۰,۱۸۶	-۰,۰۶۴	-۰,۰۷۸	سود سرمایه گذاری
۳,۲۸۵	۰,۹۲۵	۰,۱۷۹	۰,۰۰۱	۰,۹۳۲	۰,۱۹۷	۰,۲۴۳	نسبت اموال
۶۱۶,۴۳۳	۲۱,۶۷۰	۰,۰۱۷	۰,۰۰۰	۰,۵۰۶	۰,۰۰۱	۰,۰۰۵	نامشهود بودن دارایی
۴,۳۴۶	۰,۹۹۲	۰,۱۵۷	۰,۰۰۰	۰,۹۱۱	۰,۲۰۱	۰,۲۲۲	موجودی
۴,۴۳۳	۰,۶۳۰	۰,۱۳۳	-۰,۴۶۰	۰,۷۲۶	۰,۱۰۵	۰,۱۲۵	جریان وجه نقد

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای اهرم مالی برابر با (۰/۵۴۷) می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر در آمار توصیفی کلی، برای ارزش شرکت برابر با ۱,۷۶۰ و برای نامشهود بودن دارایی برابر است با ۰,۰۱۷ می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند.

آزمون تشخیص توزیع نرمال

پس از انجام هر نوع اندازه‌گیری همواره تعدادی داده (عدد) در اختیار داریم که می‌خواهیم ارتباط بین آن‌ها را کشف کنیم یا آن‌ها را دسته‌بندی نماییم تا بتوانیم آن‌ها را تجزیه و تحلیل کنیم. برای انجام این کار ابتدا می‌بایست نحوه توزیع داده‌ها را بدانیم. به عبارت ساده‌تر توزیع داده‌ها به ما می‌گوید که پراکندگی و گستردگی داده‌هایی که جمع‌آوری کرده‌ایم چگونه است. به‌منظور بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش از آزمون جاکوبرا استفاده شده است. در این آزمون هرگاه سطح معنی‌داری کمتر از ۵٪ باشد نشان‌دهنده‌ی توزیع نرمال نمی‌باشد:

جدول (۲): نتایج آزمون توزیع نرمال

نام متغیر	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
اجتناب مالیاتی	۵۵,۰۱۱	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
متغیر کیفی			
تجربه خارجی مدیریت			
اندازه شرکت	۱۹,۱۱۱	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
ارزش شرکت	۴۴,۹۸۶	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
اهرم مالی	۱۲,۳۳۵	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
بازده دارایی ها	۱۰,۱۲۹	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
سود سرمایه گذاری	۱۷,۸۲۹	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
نسبت اموال	۱۶,۸۳۳	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
نامشهود بودن دارایی	۱۸,۱۵۲	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
موجودی	۲۷,۶۲۴	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد
جریان وجه نقد	۱۷,۵۰۴	۰,۰۰۰	توزیع نرمال ندارد

نرمال بودن متغیرها: طبق نتایج آزمون مشاهده می‌شود که سطح معناداری همه متغیرها کمتر از ۵ درصد می‌باشد لذا دارای توزیع نرمال نیستند. طبق قضیه حد مرکزی چنانچه تعداد مشاهدات بیش از ۳۰ مشاهده باشد، نیازی به برقراری فرض نرمال نیست.

آزمون F لیمر (چاو) و آزمون هاسمن

گاهی اوقات داده‌هایی که ما با آن‌ها روبرو هستیم هم دربرگیرنده داده‌های سری زمانی و هم مقطعی می‌باشد. به چنین مجموعه‌ای از داده‌ها عموماً پانلی از داده‌ها یا پانل دیتا شناخته شده است. در برآورد مدل پانل دیتا با دو حالت کلی روبرو هستیم. حالت اول این است که عرض از مبدأ برای کلیه مقاطع یکسان است که در این صورت با مدل پول دیتا (pool data) مواجه هستیم. حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام مقاطع متفاوت است که به این حالت پانل دیتا (panel data) گفته می‌شود. برای شناسایی دو حالت فوق از آزمونی به نام اف-لیمر استفاده می‌شود. بنابراین آزمون اف-لیمر برای انتخاب بین روش‌های رگرسیون پول دیتا (تلفیقی) و رگرسیون با اثرات ثابت استفاده می‌شود. در صورتی که میزان معناداری آماره‌ی چاو (prob) کمتر از سطح ۰,۰۵ باشد، داده‌های تابلویی (پانل دیتا) انتخاب می‌شود. در این حالت برای تشخیص اثرات ثابت یا تصادفی باید آزمون هاسمن نیز انجام شود.

جدول (۳): نتایج آزمون اف لیمر (چاو)

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل پژوهش	۹,۱۳۴	۰,۰۰۰	داده‌های تابلویی

با توجه به جدول ۳، چون سطح معناداری آزمون اف لیمر در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو رویکرد داده‌های تابلویی در مقابل رویکرد داده‌های تلفیقی مورد پذیرش قرار می‌گیرند.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

نام مدل	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
مدل پژوهش	۳۵,۴۰۲	۰,۰۰۰	اثرات ثابت عرض از مبدأ

با توجه به جدول ۴ چون سطح معناداری آزمون در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد است، از این رو اثرات ثابت عرض از مبدأ در مقابل اثرات تصادفی مورد پذیرش قرار می‌گیرد.

آزمون فرضیه

H0: تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیرگذار نیست.

H1: تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیرگذار است.

جدول (۵): تخمین نهایی مدل رگرسیونی پژوهش

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد ضرایب	آماره t	سطح معناداری
تجربه خارجی مدیریت	-۰,۳۴۵	۰,۰۵۶	-۶,۱۰۱	۰,۰۰۰
اندازه شرکت	۰,۰۰۴	۰,۰۰۹	۴,۱۹۰	۰,۰۰۰
ارزش شرکت	-۰,۰۰۳	۰,۰۰۲	-۱,۷۵۸	۰,۰۷۹
اهرم مالی	۰,۰۱۹	۰,۰۰۴	۴,۵۵۰	۰,۰۰۰
بازده دارایی‌ها	۰,۰۱۸	۰,۰۰۳	۴,۶۶۶	۰,۰۰۰
سود سرمایه گذاری	۰,۰۲۹	۰,۰۰۶	۴,۹۲۳	۰,۰۰۰
نسبت اموال	-۰,۰۱۲	۰,۰۰۴	-۳,۰۶۲	۰,۰۰۲
نامشهود بودن دارایی	-۰,۰۰۴	۰,۰۰۸	-۰,۰۵۳	۰,۹۵۷
موجودی	۰,۰۱۴	۰,۰۰۳	۴,۵۲۰	۰,۰۰۰
جریان وجه نقد	۰,۰۲۹	۰,۰۰۷	۳,۸۵۶	۰,۰۰۰
عرض از مبدأ	۰,۰۲۴	۰,۰۱۵	۱,۵۸۸	۰,۱۱۲
سایر آماره‌های اطلاعاتی				

۰,۷۳۲	ضریب تعیین تعدیل شده
۰,۰۰۰	آماره فیشر - سطح معناداری آن
۱,۹۶۸	دوربین واتسون

با توجه به اینکه متغیر تجربه خارجی مدیریت دارای ضریب منفی و سطح معناداری کمتر از ۵ درصد است از این رو می توان گفت که تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیرگذار (تأثیر معکوس) است. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۷۳ درصد می باشد که نشان می دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته اند ۷۳ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. آماره فیشر دارای سطح معناداری کمتر از ۵ درصد می باشد از این رو می توان گفت که مدل برازش شده از اعتبار کافی برخوردار است. همچنین آماره دوربین واتسون مابین ۱,۵ و ۲,۵ است و نشان از برازش نبود خودهمبستگی مرتبه اول در مدل است.

بحث و نتیجه گیری

در عصر حاضر مدیران، عامل کلیدی در جهت ارتقای عملکرد هر سازمان به شمار می آیند و تصمیماتی که آنان اتخاذ مینمایند، در شکست یا موفقیت سازمان تأثیرگذار است. از این رو، ضعف عملکردی مدیریت در سازمان با وجود نقاط قوتی چون منابع، تکنولوژی و نیروی انسانی باعث سوء عملکرد و شکست آن سازمان در نیل به اهدافش خواهد شد. بنابراین، پرورش و انتخاب مدیران و رهبران شایسته جزء مهم ترین دغدغه های سازمان های پیشرو در عصر حاضر است. در این راستا، رفتارهای مدیران که برگرفته از خصوصیات شخصیتی آنان به شمار می آید در محیط سازمانی بر سیر تحول، پویایی و شکوفایی آن سازمان تأثیرگذار بوده. و در این بین، تأثیر شخصیت بر رفتار مدیر از یک سو و تأثیر رفتار مدیر بر عملکرد و گزارشهای سازمان از سویی دیگر، اهمیت این موضوع را آشکار می سازد که ویژگیهای شخصیتی مدیران باید مورد مطالعه قرار گیرد.

مدیریت ممکن است از طریق اجتناب مالیاتی، به دنبال گزارشگری مناسب تر سود باشد تا از این طریق تصویر مطلوبی از عملکرد شرکت ارائه کند. البته مدیران توانا به دلیل هزینه فرصت از دست رفته ناشی از اجتناب مالیاتی، کمتر درگیر فعالیت های اجتناب مالیاتی می شوند. اجتناب مالیاتی، نوعی استفاده از خلأهای قانونی در قوانین مالیاتی به منظور کاهش مالیات است که می تواند از طریق انتقال درآمد به یک منطقه با مالیات کم و یا قیمت گذاری انتقالی انجام شود. در اغلب پژوهش هایی که تاکنون با هدف تبیین عوامل مؤثر بر اجتناب مالیاتی صورت گرفته، تأکید بر ویژگی های خاص شرکتها بوده است؛ این در حالی است که پژوهش های اخیر، ویژگی های شخصیتی مدیران را به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تعیین کننده اجتناب مالیاتی بررسی می کند. نتایج بدست آمده از این تحقیق نشان داد تجربه خارجی مدیران بر اجتناب مالیاتی شرکتها تأثیر منفی و معنی داری دارد. یعنی با افزایش تجربه خارجی مدیران، اجتناب مالیاتی شرکتها کاهش می یابد و برعکس. نتایج حاصل از این پژوهش مطابق با دیدگاه سنتی است، مطابق دیدگاه سنتی اجتناب از پرداخت مالیات منجر به افزایش ارزش شرکت می گردد زیرا فعالیتهای اجتناب مالیاتی با کاهش انتقال منابع از شرکت به دولت همراه است. بنابراین، کاهش مخارج مالیاتی و افزایش سود خالص در یک زمان و افزایش وجه نقد نگهداری شده از فعالیتهای اجتناب مالیاتی میتواند منجر به ارزش آفرینی برای شرکت گردد. نتایج بدست آمده از این تحقیق با نتایج پژوهش های آقایی و همکاران (۱۳۹۷)، فروغی و همکاران (۱۳۹۵)، محسنی القار و شعری آناقیز (۱۳۹۶)؛ همسو می باشد. نتایج حاصل از این پژوهش نشان می دهد مدیران با تجربه خارجی بالاتر درک بهتری از محیط عملیاتی شرکت دارند، از اینرو آنها را قادر می سازد که تصمیمات تجاری بهتری با استراتژیهای مالیاتی بگیرند و فرصتهای برنامه ریزی مالیاتی را تعیین کنند. بنابراین، هنگامیکه هزینه های فرصت مدیران کاهش می یابد ارزش افزوده ایجادشده از فعالیتهای

اجتناب مالیاتی کاهش می یابد. همچنین نتایج نشان میدهد شرکتهایی که عملکرد بهتری دارند مدیران با سطح تجربه خارجی بالا کمتر درگیر فعالیتهای اجتناب مالیاتی میشوند. این نتایج دیدگاهی را حمایت میکند که اگر هزینه های فرصت اجتناب مالیاتی بیشتر از فعالیتهای دیگر مدیران باشد، مدیران با سطح تجربه خارجی بالاتر تلاش و زمان خود را صرف فعالیتهای دیگر از قبیل افزایش فروش، بازاریابی به منظور افزایش فروشهای خارجی، سرمایه گذاری و فعالیتهای تامین مالی بجای فعالیتهای اجتناب مالیاتی برای حداکثر سازی و سودآوری شرکت خواهند داشت و منابع در اختیار خود را در منافع اقتصادی با کارایی بیشتر بکار می گیرند. به طور کلی، نتایج پژوهش نشان داد علاوه بر ویژگیهای شرکت، تجربه خارجی مدیریتی نیز می تواند فعالیتهای اجتناب مالیاتی را هدایت کند. بنابراین تجربه خارجی مدیریتی یکی از عوامل تعیین کننده استراتژیهای اجتناب مالیاتی شرکت است که بر عملکرد و تصمیمات شرکت تأثیر میگذارد. از اینرو، پژوهش حاضر شواهدی از نقش مدیران در تصمیمات شرکت با نشان دادن اهمیت تجربه خارجی مدیریتی در اجتناب مالیاتی شرکت فراهم آورد. با توجه به نتایج فرضیه این پژوهش، حسابرسان مالیاتی باید هنگام مشاهده وضعیت تجربه مدیریتی شرکت، احتمال وجود اجتناب مالیاتی را در هنگام برآورد ریسک حسابرسی مدنظر قرار دهند همچنین سرمایه گذاران باید بتوانند رابطه تجربه مدیریت شرکت و بازده سهام را در کرده و تأثیر آن را بر بازده های آتی سهام، مورد ارزیابی قرار دهند. به مدیران و تصمیم گیرندگان پیشنهاد می شود در تصمیمات و استراتژی های مالیاتی، ضمن در نظر گرفتن افق دید بلندمدت، پیامدها و تاثیر احتمالی هر یک از سیاستهای مالیاتی را مورد توجه قرار دهند. به سرمایه گذاران پیشنهاد می شود ضمن توجه به استراتژی ها و برنامه ریزی های مالیاتی شرکتها، پیامدهای اجتماعی مربوطه را بر جریانات نقدی و عملکرد آتی شرکتها مورد توجه قرار دهند و اطلاعات مربوط را در الگوی تصمیم گیری خود لحاظ نمایند. پیشنهاد می شود که سهامداران عمده و اعضای هیئت مدیره، ساز و کارهای نظارتی بیشتری را برای مدیران با تجربه خارجی پائین اتخاذ کنند. به طوری که با کنترل جریان های نقدی و طرح های توجیهی مناسب، مبالغ سرمایه گذاری هدفمندتر و از ناکارآمدی مدیران در مقوله سرمایه گذاری جلوگیری شود. همچنین، با نظارت قوی بر مدیران با تجربه خارجی بالا از فرصت طلبی آنها جلوگیری شود. یافته های این پژوهش می تواند سهامداران و هیئت مدیره شرکتها را ترغیب نماید که در انتخاب مدیران به تجربه خارجی مدیران توجه کافی داشته باشند

منابع

- ✓ حسنی القار، مسعود، شعری آناقیز، صابر، (۱۳۹۶)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی، دانش حسابرسی، دوره ۸، شماره ۱، صص ۱۰۷-۱۳۴.
- ✓ خانی، عبدالله، ایمانی، کریم، یوسفی، امین، (۱۳۹۳)، اجتناب از مالیات، نحوه اندازه گیری و عوامل مؤثر بر آن، پژوهش حسابداری، شماره ۱۵، صص ۱۲۲-۱۴۲.
- ✓ صالحی، مهدی، زمانی مقدم، سمانه، لطفی، افسانه، (۱۳۹۵)، ارتباط بین سبک های تفکر در مدیران مالی و اجتناب از پرداخت مالیات شرکت ها، پژوهشنامه مالیات، دوره ۳۰، شماره ۷۸، صص ۱۷۱-۱۸۷.
- ✓ فخری، مجید، پازکی، علی، خوشکار، فرزین، (۱۳۹۸)، بررسی تأثیر توانایی مدیریت بر رابطه حاکمیت شرکتی و اجتناب مالیاتی، فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، دوره ۳، شماره ۲۳، صص ۲۲-۴۱.
- ✓ Armstrong, C. S., Blouin, J. L., Jagolinzer, A. D., & Larcker, D. F. (2015). Corporate governance, incentives, and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.
- ✓ Cho, H. T., & Yoon, S. M. (2020). Is the Board of Directors' Religion Related to Tax Avoidance? *Empirical Evidence in South Korea*. *Religions*, 11(10), 526.

- ✓ Christensen, D. M., Dhaliwal, D. S., Boivie, S. And Graffin S. D. (2015). Top management conservatism and corporate risk strategies: evidence from managers' personal political orientation and corporate tax avoidance. *Strategic Management Journal*, 36, 1918-38.
- ✓ Desai, M. A. and Dharmapala, D. (2006). Corporate tax avoidance and high-powered incentives. *Journal of Financial Economics*, 79, 145-79.
- ✓ Desai, M.A., Dyck, A. & Zingales, L. (2007). Theft and Taxes. *Journal of Financial Economics* 84(3), Elsevier, 591-623.
- ✓ Erle, B. (2008). Tax Risk Management and Board Responsibility. in Schön W. ed., *Tax and Corporate Governance*, Berlin Heidelberg, Springer-Verlag.
- ✓ Frank, M., Lynch, L. & Rego, S. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and Its Relation to Aggressive Financial Reporting. *The Accounting Review*, 84(2), 467-496.
- ✓ Gul, F.A., Srinidhi, B., Ng, A.C. (2011). Does board gender diversity improve the informativeness of stock prices? *J. Account. Econ.* 51 (3), 314-338.
- ✓ Hsu, P. H., Moore, J. A., & Neubaum, D. O. (2014). Tax avoidance, financial experts on the board, and business strategy. *SSRN Electronic Journal*.
- ✓ Huang, H., & Zhang, W. (2020). Financial expertise and corporate tax avoidance. *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 27(3), 312-326.
- ✓ Iliev, P., & Roth, L. (2018). Learning from directors' foreign board experiences. *Journal of Corporate Finance*, 51, 1-19.
- ✓ Kerr, J. N., Price, R., & Román, F. J. (2016, January). The Effect of Corporate Governance on Tax Avoidance. In *Proceedings. Annual Conference on Taxation and Minutes of the Annual Meeting of the National Tax Association* (Vol. 109, pp. 1-50). National Tax Association.
- ✓ Kim, J., McGuire, S., Savoy, S. and Wilson, R. (2019). How quickly do firms adjust to target levels of tax avoidance? *Contemporary Accounting Research*, 36, 1824-60.
- ✓ Landolf, U. (2006). Tax and Corporate Responsibility. *International Tax Review*, 29, 6-9.
- ✓ Law, K. K., & Mills, L. F. (2017). Military experience and corporate tax avoidance. *Review of Accounting Studies*, 22(1), 141-184.
- ✓ Minton, B.A., Taillard, J.P., Williamson, R. (2014). Financial expertise of the board, risk taking, and performance: evidence from bank holding companies. *J. Financ. Quant. Anal.* 49 (2), 351-380.
- ✓ Rego, S. O. and Wilson, R. (2012). Equity risk incentives and corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting Research*, 50, 775-810.
- ✓ Syverson, C. (2011). What determines productivity? *J. Econ. Lit.* 49 (2), 326-365.
- ✓ Tandean, V. A., & Winnie, W. (2016). The Effect of Good Corporate Governance on Tax Avoidance: An Empirical Study on Manufacturing Companies Listed in IDX period 2010-2013. *Asian Journal of Accounting Research*.
- ✓ Wen, W., Cui, H., & Ke, Y. (2020). Directors with foreign experience and corporate tax avoidance. *Journal of Corporate Finance*, 101624.
- ✓ Zemzem, A., & Ftouhi, K. (2013). The effects of board of directors' characteristics on tax aggressiveness. *Research Journal of Finance and Accounting*, 4(4), 140-147.
- ✓ Zolotoy, L., O'Sullivan, D., Martin, G. P., & Wiseman, R. M. (2020). Stakeholder Agency Relationships: CEO Stock Options and Corporate Tax Avoidance. *Journal of Management Studies*.